

# اجتماع چند ده نفری بازنشستگان در مقابل مجلس سرمایه

امید خرم / اسفند ۱۴۰۰

راستی با مبارزات آنها احساس همپیوندی کند. گیلانی نژاد و اسانلو همه کاره سندیکای فلزکار مکانیک هستند، اولی مستمرا افتخار می کند که با دفتر خامنه ای در ارتباط است، سرسپرده دولتمردان سرمایه است و می خواهد سیل الطاف این وحوش را راهی خانه کارگران کند!! در همین اجتماع به اصطلاح اعتراضی، عوامل گیلانی نژاد شعرهایی را از پیش روی کاغذ نوشته و به دست بازنشستگان دادند. از جمله این شعرهای خفت بار، یکی این بود که: « پلیس با شرف حمایت حمایت!! تعدادی از کارگران بازنشسته با دیدن این شعرها، ناراحت شدند، جمع را ترک گفتند و شروع به زمزمه نمودند. یکی از آنها به بغل دستی خویش گفت: « به کجا رسیدیم؟! زیر علم حزب توده وهمگام عوامل رژیم نوحه خوانی می کنیم!! بازنشسته دیگری جواب داد، مگر ما تا حال چه می کردیم؟! کارهای ما است که باعث شده این مزدوران، اجتماع اعتراضی ما را جای طرح این حرفها ببینند. سالهاست خود ما نیز همین شعرهای تهوع آور را به شکلهای دیگر اما با همین مضمون سر می دهیم، به دولت سرمایه

روز یکشنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۰ بیست، سی نفر از بازنشستگان جلو مجلس سرمایه تجمع کردند. مثل همیشه از سر عجز و لابه خواستار رسیدگی دولتمردان به خواست های خود شدند!! درفاصله دومتري این جمعیت بازنشسته متحصن، جمعی با همین تعداد، کمتر یا بیشتر، پارچه نوشته ای در دست، خود را سندیکای فلزکار مکانیک خواندند. اینان هم شعرهایی به همان شیوه و همان مضمون سر می دادند. همگی از دولت اسلامی سرمایه می خواستند تا ترحم بنماید!! و برای شکم گرسنه فرزندان نشان فکری بکنند!! چند دقیقه که گذشت برادر «منصور اسانلو» معاون «گیلانی نژاد» مزدور و فعال سازمانهای سرکوب درون جنبش کارگری، از جمع دوستان خود در سندیکای فلزکار مکانیک فاصله گرفت و به میان بازنشستگان آمد. برادر اسانلو حق خود می دید که میان همزنجیران بازنشسته ما احساس انیس و مونس بودن بنماید، بازنشستگان از دیرباز شالوده اعتراض خود را بر تقدیس قانون سرمایه و پاسداشت حریم نظم و حاکمیت سرمایه داری قرار داده اند، همین کافی است که هر سندیکالیست

دخیل می بندیم، خود را هیچ و پوچ کرده ایم. چند بار جلوی وزارت کار، چند جلسه در مقابل مجلس، در برابر نهادهای دیگر!! دست التماس بالا بردیم، در مدح قانون سرمایه گفتیم، پیشینه اعتراضات ما به این مزدوران اطمینان داد که مثل خودشان هستیم، پس با فراغ بال شعارهای کثیف خود را آوردند و دست ما دادند!! از پیش برایمان نوشته بودند!!

گیلانی نژاد و اطرافیانش به شستشوی مغزی توده کارگر می پردازند، می کوشند هر جرعه اعتراض ضد سرمایه داری یا حتی ضد رژیم اسلامی سرمایه را در محیطهای کار خاموش سازند، علیه فعالان رادیکال کارگری توطئه می کنند، جاسوسی می نمایند و برای به دام انداختن آنان به هر جنایتی دست می زنند. او مدت ها برای ایجاد تفرقه میان کارگران پیمانی نفت کوشید، همه راهها را رفت تا صفوف متحد مبارزه آنان را به نفع سرمایه داران متلاشی سازد، در مقابل جهتگیری های رادیکال دست به بدیل تراشی کثیف سندیکالیستی زد و تلاش نمود تا کارگران را دخیل بند نهادهای دولتی کند. این کارها را کرد اما کارگران پیمانی مصمم تر و استوارتر از آن بودند که به این مزدوران اجازه اثرگذاری بدهند.

گیلانی نژادها اکنون کم نیستند، شواهد بانگ می زند که بخشهای مختلف طبقه سرمایه دار و محافل عدیده بورژوازی اعم از حاکم یا اپوزیسیون در تلاش هستند تا هر کدام، با سیاست ها و برنامه ریزیهای خاص خود، نوع گیلانی نژادها را اولاً- برای غلبه بر موج رو به طغیان مبارزات توده کارگر، ثانیاً- برای مقابله با رویکرد رادیکال سرمایه ستیز کارگران به کار گیرند، همه اینها به وضوح می بینند که طبقه کارگر ولو حلزونی در حال عبور از راهبردهای منحط رفرمیستی است، مشاهده می کنند که غالب کارگران رغبتی به شنیدن عربده های احزاب، منجیان «رهبران» ندارند، برای سندیکاسازی تره خرد نمی کنند، توسل به قانون، قرار، نهادهای قدرت سرمایه را فرسودن توان پیکار خود و کوبیدن آب در هاون می بینند. بورژوازی، حاکم یا اپوزیسیون وضعیت روز را زیر نظر دارد، آستانه انفجار کارگران را لمس می کند، از جهتگیری های رادیکال درون طبقه کارگر به وحشت می افتد، به این دلیل یا نوع گیلانی نژادها را به جان جنبش کارگری می اندازند و یا بیش از پیش بر طبل سندیکاسازی و حزب بازی می کوبند.